

تفاوت های فرهنگی از نگاه سفرنامه نویسان

○ مینژه مقصودی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

فرهنگ خود سنت سفرنامه نویسی و شناخت فرهنگ جوامع غیرخودی را از قرن ۱۵ به این سو آموخته اند. سفرنامه ها از جمله منابع مهم مردم شناسی و به ویژه مردم شناسی تاریخی هستند. شناخت و تحقیق موشکافانه درباره ی این منابع خام و دست اول در مردم شناسی اهمیت بسیار زیادی دارد که به منظور کشف تغییر و تحول فرهنگی می تواند مورد استفاده واقع شود. در میان مجموعه ی سفرنامه های ترجمه شده در ایران آثار فراوان و ارزنده ای به چشم می خورد، اما هنوز آثاری مهم در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار نگرفته است. از جمله این آثار که هنوز به فارسی برگردانده نشده است، مجموعه سفرنامه های شاردن است که به ۱۰ جلد می رسد.*

باتوجه به جایگاه سفرنامه ها، تلاش مؤلف را در زمینه بررسی و شناخت این منابع باید ارج نهاد و باید اذعان نمود که شایسته است مجموعه هایی از این قبیل در جهت شناخت فرهنگ گذشته ی ایران مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

همانطور که مؤلف در پیشگفتار کتاب متذکر شده است: «آنچه که از تاریخ مردم در کتاب های تاریخ ثبت شده، محدود به رویدادهای سیاسی گشته است. اما سفرنامه ها همچون گنجینه های سرشار از تاریخ زندگانی مردم می باشند که در آنها می توان درباره بیشتر مسایل اجتماعی مردم آگاهی های سودمندی به دست آورد.» (ص ۲۴)

اما علی رغم سودمندی سفرنامه های غربیان در شناخت فرهنگ گذشته ی ایران نکته های مهمی را باید در استفاده از آنها پیش چشم داشت:

سفرنامه ها را باید تنها به عنوان منبع اطلاعاتی در نظر گرفت. این تصور نباید پیش آید که هر اطلاعاتی در آنها می تواند منجر به یک نتیجه گیری کلی شود. از سوی دیگر اطلاعات فراوان موجود در سفرنامه ها براساس مشاهدات سیاحان از یک یا چند مورد خاص و احیاناً استثنایی است و بنابراین قضاوت درباره ی درستی یا غلطی آنها تنها با مقایسه ی تطبیقی منابع ممکن می شود. در بررسی منابع مزبور محقق باید مشاهدات

ایرانی را که به دلیل بدیهی بودن، بیننده ی بومی قادر به تمییز آن نبوده است بیان می کنند. ویژگی های سفرنامه های اروپایی درباره ی شرق را می توان در این موارد خلاصه کرد: ۱- سفرنامه ها به طور عمده براساس مشاهدات نویسنده قرار دارد. ۲- سیاحان در سفرنامه ها ویژگی هایی را مشاهده می کنند و به تصویر می کشند که عموماً بر تفاوت های فرهنگی استوار است. ۳- از اهداف مهم سفرنامه ها شناخت ویژگی های فرهنگ غیرخودی است. ۴- سفرنامه ها اغلب توسط افرادی تهیه شده که در

این کتاب در دوره ای تألیف شده است که اهمیت مطالعات و تحقیقات درباره ی زنان در سطح جهان به طور مسلم آشکار شده و اکنون خود رشته ای از دانش را با نام «مطالعات زنان» در برمی گیرد. در ایران نیز مطالعات مربوط به این حوزه به ویژه در سالیان اخیر شتاب گرفته است. این مجموعه که یکی از مجلدات تاریخ اجتماعی ایران است، براساس ۵۴ سفرنامه ی فرهنگی گردآوری شده است. این کتاب از نظر بعد زمانی دوران صفویه تا اوایل دوران پهلوی را فرامی پوشد.

سفرنامه ها به طور عمده بر شرح و توصیف زندگی روزمره متمرکزاند و به ما از پس دهه ها و سده ها فرصتی می دهند تا از روزن نگاه دقیق، موشکافانه، جستجوگر و هدفمند مسافران و سیاحان غربی با جنبه های بی شماری از زندگی زنان در ایران آشنا شویم. به ویژه آن که بخشی از آثار مزبور منابعی مهم در زمینه ی ایران شناسی نیز به شمار می آیند و خلا عدم پرداخت مکتوب به فرهنگ ایرانی را در زمان مورد بحث جبران می کنند. در لابه لای سفرنامه های مزبور زندگی زنان ایرانی نیز به چشم می آید. در این چشم انداز با پوشاک، ازدواج، مسائل مذهبی و سیاسی، گذران اوقات فراغت و... در نزد زنان ایرانی مواجه می شویم. این تنوع مردم نگارانه در سفرنامه های مزبور امکان تقسیم بندی موضوعی را برای نویسنده کتاب به وجود آورده است. تقسیم بندی موضوعی کتاب می کوشد، ساختاری تحلیلی را در اختیار محققان و دانشجویان قرار دهد. این تقسیم بندی، کتاب را از حالت یک خاطره نویسی ساده و صرف جدا نموده و به آن بعدی علمی و پژوهشی می دهد. موضوعات تقسیم بندی شده در کتاب به ۳۵ عنوان کلی می رسند. درباره ی سفرنامه ها باید گفت که آنها نگاه کنجکاوانه ی سیاحان غربی نسبت به فرهنگ شرق را در بردارند. این نگاه کنجکاوانه باتوجه به تفاوت های فرهنگ شرق با غرب که از جمله در وضعیت زنان جلوه گر می شود، نگاه جستجوگر سیاحان به زندگی زنان شرقی (و ایرانی) را نیز موجب شده است. بنابراین این آثار به نحوی دقیق و ظریف جنبه هایی از فرهنگ

○ زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی

○ میترا مهربادی

○ نشر آفرینش و نشر روزگار

○ ۱۳۷۹، ۵۴۱ صفحه



جهانگردان را تنها به عنوان یک منبع اطلاعاتی در نظر گیرد و در مقایسه با اطلاعاتی دیگر، به گونه‌ای علمی و فنی نادرست بودن اطلاعات را تنها توضیح دهد.

در اینجا با نگاهی به کتاب می‌کوشیم تا پاره‌ای از کاستی‌های آن را بیان داریم. کتاب در ابتدا بر موضوعات دقیق و مشخص متمرکز است و هریک از موضوعات دارای مثال‌های بسیار متعددی است. ولی به تدریج موضوعات محور اصلی خود را از دست می‌دهد و

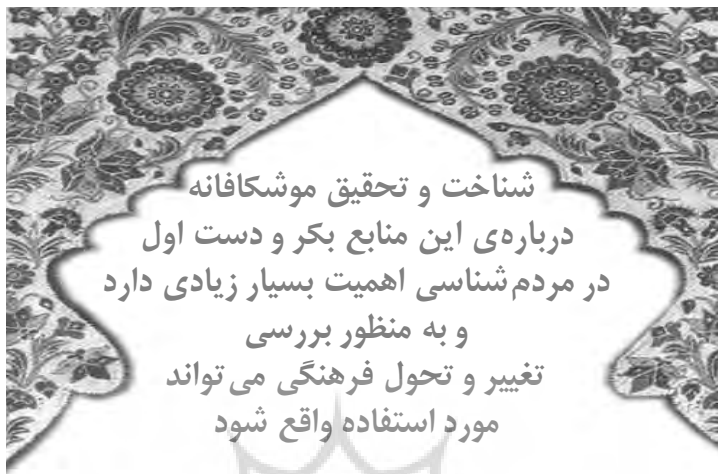
به بحث‌های حاشیه‌ای تبدیل می‌شود. اطلاعات و مثال‌های این موارد نیز گاه از چند سطر تجاوز نمی‌کند. در ابتدا خواننده با مرور فهرست مطالب و دیدن عناوینی چون پوشاک متوجه تنوع اطلاعات موجود در کتاب می‌شود. اما بعد از رجوع به عناوینی چون «تقلات مورد علاقه زنان» (ص ۴۸۱) مشاهده می‌کند که تنها ۳ سطر به موضوع مورد اشاره اختصاص داده شده است. نکته‌ی بسیار مهم دیگر آن است که مؤلف تنها به جمع‌آوری موضوعی مطالب اکتفا نموده است و اطلاعات فاقد یک جمع‌بندی تحلیلی و توضیحی است. انتظار می‌رفت که مؤلف با استفاده از یک شیوه‌ی علمی و

روشمند، اطلاعات گلچین شده از هر بخش را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. اعتبار و ارزش اطلاعات با مقایسه اطلاعات دیگر سنجیده شود و خواننده را به یک شمای کلی از زندگی روزمره زن ایرانی هدایت کند.

برخی از مواردی که در کتاب آمده نشانگر برخورد عاطفی نویسنده با موضوع است. این چنین برخوردهایی هرچند اندک، پایه‌های علمی تحقیق را سست می‌کند و از ارزش علمی آن می‌کاهد. مثلاً در کتاب می‌خوانیم: «چالب است که سون هُذین با نگرشی کاملاً آیده‌آیستی، زندگی پرنج و مشقت زنان روستایی و دست و پنجه نرم کردن آنها با انواع بیماری‌های رایج در گذشته را نادیده گرفته و به گونه‌ای غیرواقع‌گرایانه سیمایی لطیف از ایشان را توقع دارد» (ص ۳۲) بدیهی است که قضاوت درباره‌ی انگیزه‌ی نویسنده ما را از بررسی علمی موضوع دور می‌کند. محقق باید از مشاهدات جهانگردان به عنوان یک منبع اطلاعاتی استفاده کند و نه آن که انگیزه‌های پنهان آنان را از ورای متن جستجو نماید. اگر این اطلاعات نادرست به نظر می‌آید، باید با آوردن مثال‌ها و شواهدی متعدد به گونه‌ای علمی و فنی و در یک مقایسه‌ی تطبیقی، نادرست بودن اطلاعات توضیح داده شود. برای محقق «توقع» و «انتظار» جهانگرد نباید اهمیتی داشته باشد. آنچه برای محقق مهم است درستی یا نادرستی اطلاعات است. تجزیه و تحلیل

اطلاعات نه با دآوری ارزشی بلکه با شواهد عینی و علمی و با استناد به مدارک متعدد باید به اثبات برسد.

در جای دیگر کتاب چنین آمده است: «البته باید توجه داشت که اگر در گذشته‌ها (و حتی در برخی خانواده‌های سنتی امروز) چنین امری [ننگ دانستن فرزند دختر] صادق بوده اما عمومیت نداشته است و هرگز نباید به صورت یک اصل کلی و رایج، همچون آنچه که در میان اعراب جاهلی رواج داشته از آن سخن



از اهداف مهم سفرنامه‌ها، شناخت ویژگی‌های فرهنگ غیرخودی است

گفت، به ویژه که با گذشت زمان، تغییرات کلی در این نگرش حاصل شده است.» (ص ۱۵۵)

نخست باید گفت هیچ محققی اطلاعاتی از این نوع را به عنوان یک اصل کلی در نظر نمی‌گیرد تا بخواهد آن را تعمیم دهد. همان طور که اشاره شد اطلاعاتی که از سفرنامه‌ها برای محقق به دست می‌آید در واقع برداشت‌های شخص مشاهده‌کننده را در بردارد. از سوی دیگر مؤلف با استناد به چه مدارک و منابعی مطرح می‌دارد که چنین اصلی عمومیت نداشته است. مؤلف به جای دآوری ارزشی و قضاوت اخلاقی می‌باید برای پشتوانه‌ی نتیجه‌گیری خود اسناد و مدارکی را ارائه دهد که ثابت کند در دوره‌ی مورد اشاره چنین امری عمومیت نداشته است.

در همین جا لازم است تأکید کنم که آنچه بیان شد به هیچ وجه انتقاد به محتوای دآوری‌های ارزشی مؤلف نیست بلکه این انتقاد به روش و متد کاری است که در کتاب به کار رفته است.

یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب همان طور که گفته شد تقسیم‌بندی موضوعی آن است که کتاب را از حد خاطره‌نویسی صرف و ساده به سوی نگاهی نظام‌مند و تحقیقی موشکافانه سوق می‌دهد. به طور تقریبی در کتاب بیش از ۳۰ تقسیم‌بندی وجود دارد. تقسیم‌بندی موضوعی از دوران صفویه تا اوایل دوران پهلوی را در بر می‌گیرد.

این تقسیم‌بندی از سوی دیگر تقسیمات قومی در ایران را نیز شامل می‌شود. از جمله می‌توان به سیمای زنان بختیاری، پوشاک زنان بلوچ، پوشاک زنان ترکمن و... اشاره داشت که بر جذابیت‌های کتاب می‌افزاید. تقسیم‌بندی موضوعی در قسمت پوشاک از بعد ادیان نیز در نظر گرفته شده است: پوشاک زنان زرتشتی، پوشاک زنان ارامنه جلفای اصفهان، پوشاک زنان یهودی و... از این شمار است. توجه به دین و قومیت به تقسیم‌بندی موضوعی کتاب غنای بیشتری می‌بخشد.

در موضوعات دیگری نیز از جمله «آداب و مراسم ازدواج» به پارامترهای قومیت و ادیان توجه شده است.

از نکات دیگری که درباره کتاب قابل ذکر است، تعداد زیاد تقسیمات آن است. جا داشت این تقسیمات به صورت چند عنوان کلی و سپس زیرمجموعه‌های مرتبط با آن عنوان شکل داده شود. مورد دیگر در ارتباط با ارائه‌ی عکس‌ها است. معرفی عکس‌ها اصولاً می‌تواند به سه صورت باشد: ۱- تنها ذکر منبع ۲- اشاره‌ی عنوان‌گونه به عکس ۳- توضیح دقیق عکس.

در این کتاب عکس‌ها اغلب با ذکر منبع و اشاره‌ی عنوان‌گونه معرفی شده‌اند. ولی این عناوین در مواردی هرچند کم، دقیق نیست. مثلاً در صفحات ۴۹۱ و ۴۹۳ این امر روی داده است.

از آنجا که عکس‌ها گویای بسیاری از مشاهدات غیر مکتوب است، مشاهده‌ی موشکافانه‌ی عکس‌ها، تجزیه و تحلیل‌شان و مقایسه‌ی آنها با یکدیگر و با عکس‌های جدیدتر گستره‌ی اطلاعاتی ما را افزایش می‌دهد. عکس‌ها به منزله‌ی ابزارهای اطلاع‌رسانی بی طرف و بدون دآوری ارزشی در این قبیل تحقیقات محسوب می‌شوند. بنابراین کیفیت عالی آنها خود به خود ارزش کیفی کار را افزایش می‌دهد.

در بخش فهرست منابع و نمایه نیز کمبودهایی مشاهده می‌شود. مثلاً نام کتاب‌هایی که بر مبنای تحلیل سفرنامه‌ها نگاشته شده یا نام سایر سفرنامه‌ها به عنوان منابع تکمیلی دیده نمی‌شود. افزودن نمایه‌ی اشخاص، مکان‌ها و واژه‌های کلیدی نیز می‌توانست بر فواید کتاب بیفزاید.

* شاردن سیاح فرانسوی. وی در سال‌های ۱۶۶۴-۱۶۷۷ دو بار به ایران سفر کرد و هر بار شش سال در این کشور اقامت نمود. وی سفرنامه‌ای به نام سفر ایران و هند شرقی نوشت. در این کتاب اطلاعات سودمندی راجع به عهد صفویه مندرج است. (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۸۵۹)